

Exploring factors of Marital Infidelity in Couples: An Interpretive Phenomenology in Birjand

Mehdi Rezaei, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: Mehdi.rezaei15@birjand.ac.ir

Abstract

Marital infidelity is one of the most important and also destructive phenomena in couple relationship. However, due to taboos, this issue has not been paid serious attention. The aim of present study was to explore the phenomenological causes of marital infidelity in couples in Birjand. This qualitative research is conducted on the basis of interpretative phenomenology. The statistical population consisted of couples from Birjand who visited in Rahe-Noo, Rooyesh, Misagh, and Hamrah counseling centers from May 2023 to December 2023. 21 people who had a history of marital infidelity (unfaithful person) were selected by purposeful sampling method from this statistical population. Sampling continued to data saturation. An in-depth semi-structured interview was used to collect data. Analyzing lived experiences led to the extraction of a main theme (existential meaninglessness), 5 sub-themes (existential crises, susceptible for vulnerability, interpersonal crises/unsatisfied relatedness need, drifted/ social drivers and value transformation) and 135 primary concepts. Identifying these components not only increases insight and awareness about the explanation of the phenomenon of extramarital relationship, but also that marital infidelity is not an unidimensional and superficial phenomenon that attributed to internal and external causes (e.g., culture, economy, religion). Failure to understand, comprehension and interpret the deep layers of this phenomenon and multidimensional problem will lead to further disintegration of family foundation.

Key words

Marital infidelity, couples, interpretive phenomenology.



کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازشوایی: یک مطالعه پدیدارشناسی تفسیری در بیرجند

مهدی رضایی^۱

چکیده

رابطه فرازشوایی یکی از مهم‌ترین تهدیدات ثبات خانواده و از دلایل بروز طلاق است؛ اما به دلیل تابو بودن، به این مسئله توجه جدی نشده است. این مطالعه با هدف واکاوی پدیدارشناختی علل روابط فرازشوایی در زوجین شهر بیرجند انجام گرفت. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. جامعه آماری، شامل زوجین شهر بیرجند بودند که از خرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره راهنو، رویش، میثاق و همراه مراجعه کرده بودند. از این جامعه آماری تعداد ۲۱ نفر که سابقه رابطه فرازشوایی (فرد خیانت‌کننده) داشتند به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق استفاده شد. واکاوی تجارب زیسته افراد منجر به استخراج یک مضمون اصلی (خلأ وجودی/ بی‌معنایی)، پنج مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌پذیری، بحران‌های بین‌فردی/عدم رضای نیاز مرتبط بودن، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و دگرگونی ارزشی) و ۱۳۵ مفهوم اولیه گردید. شناسایی این مؤلفه‌ها ضمن افزایش بینش و آگاهی درباره تبیین پدیده رابطه فرازشوایی، نشان می‌دهند که رابطه فرازشوایی یک پدیده تک‌بعدی و سطحی نیست که صرفاً به علل درونی و بیرونی (مثل فرهنگ، اقتصاد، مذهب) نسبت داده شود. عدم درک، فهم و تفسیر لایه‌های عمقی این پدیده و معضل چندبعدی منجر به ازهم‌گسیختگی بیشتر بنیان نهاد خانواده خواهد شد.

واژگان کلیدی

رابطه فرازشوایی، زوجین، پدیدارشناسی تفسیری.



مقدمه

مهم‌ترین مؤلفه حفظ و پایداری یک خانواده و ازدواج، تعهد زوجین به یکدیگر است که به میزان دل‌بستگی زوج‌ها به یکدیگر و تمایل به حفظ ازدواج‌های طولانی مدت اشاره دارد (Hou et al., 2019: 370). با وجود این، پایبندی به تعهد در همه ازدواج‌ها و خانواده‌ها رعایت نمی‌شود و پیمان‌شکنی یا روابط فرازنشویی^۱ در برخی از آن‌ها رخ می‌دهد. روابط فرازنشویی به عنوان «نقض قرارداد مفروض یا اعلام شده زوجین در مورد انحصار عاطفی و/یا جنسی تعریف شده است (Hou et al., 2019: 491). روابط فرازنشویی فقط به روابط عاطفی/هیجانی و جنسی/جسمانی محدود نمی‌شود با رشد فناوری امروزه شاهد پدیده‌ایی نوظهور تحت عنوان خیانت مجازی/اینترنتی^۲ هستیم که خصیصه‌های آن از قبیل مقبولیت^۳ (قابل پذیرش بودن رفتارهای اینترنتی نسبت به رفتارهای واقعی در برخی موضوعات، مثل موضوعات جنسی)، گمنامی^۴ (نامشخص بودن هویت) و توانمندی (دستیابی تعداد بیشمار موضوعات جنسی و اشخاص با هزینه اندک) زمینه‌ساز بیشتر روابط فرازنشویی شده است (Vossler, 2016: 360). برای مثال، شیوع ۱۲ ماهه روابط فرازنشویی در زنان ۵ درصد و در مردان ۱۱ درصد برآورده شده است (Fincham & May, 2017: 72). آمار دقیقی از شیوع آن در ایران در دسترس نیست، ولی به عنوان یک پدیده رو به رشد در نظر گرفته شده است (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۶؛ غفوریان‌نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷)؛ بنابراین، واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازنشویی به مطالعه بیشتری نیاز دارد. از سوی دیگر، نقض انحصار رابطه، اغلب با پیامدهای منفی از قبیل کاهش اعتماد زوجین شده، تهدید ثبات و عملکرد خانواده، بی‌لذتی، اختلال در عملکرد روزانه، انزوای جنسی، خشم و پرخاشگری، اختلال استرس از ضربه^۵ (PTSD)، افسردگی، شرم، افت عزت نفس و خودکشی و قتل همراه است (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۵)؛ بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز آن در میان زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، پژوهش حاضر با بکارگیری روش پدیدارشناسی تفسیری^۶ به دنبال شناسایی علل سطحی (مثل تعارض زناشویی) و عمقی (وجودی) روابط فرازنشویی

1. Marital infidelity

2. Internet infidelity

3. Acceptability

4. Ambiguity

5. Post-traumatic stress disorder

6. Interpretive phenomenology

بود؛ بنابراین، این مطالعه درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال بود که علل پدیدارشناختی روابط فرازناشویی در زوجین شهر بیرجند چیست؟

پیشینه پژوهش

مسئله روابط فرازناشویی و پیمان‌شکنی در ازدواج، پژوهش زیادی را نیز به سوی خود جلب کرده و عوامل متعددی با آن در ارتباط هستند. برای مثال پژوهش‌های کتی نشان دادند که موارد زیر با روابط فرازناشویی مرتبط است: ویژگی‌های جمعیت شناختی از قبیل جنسیت (مرد بودن)، سن (۱۰ سال اول ازدواج) و درآمد بالا، باورهای مذهبی (اخلاقیات و امساک)، سبک‌های حل تعارض (سبک‌های حل تعارض مصالحه و ملزم شده)، عدم تعهد و بخشودگی زناشویی، خشونت کلامی-فیزیکی، عاطفه منفی، داشتن روابط جنسی پیش از ازدواج (کریمی، یوسفی و سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۲؛ خیاط، عطاری و کورایی، ۱۳۹۷: ۹۸) و ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دل‌بستگی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (Isma & Turnip, 2019; Jeanfreau & Mong, 2019; Bashirpour, Shafiabadi, & Doukaneifard, 2020); عدم انسجام خانواده و معنا در زندگی (Heydarian et al., 2022: 915)، بلوغ عاطفی و کیفیت عشق (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). مطالعات کیفی و تحلیلی نیز عوامل متعددی را در ارتباط با روابط فرازناشویی استخراج کرده‌اند. برای مثال افراسیابی و رضوی (۱۴۰۰: ۱۵) در یک مطالعه تحلیلی به کشف بازنمایی روابط فرازناشویی در فیلم‌های دهه ۸۰ و ۹۰ پرداختند و ۸ موضوع اصلی زیر را مرتبط با روابط فرازناشویی استخراج کردند: برجسته‌سازی خیانت جنسی/عاطفی، نارضایتی زناشویی، بستر اجتماعی آسیب‌زا، ناهنجاری‌های شخصی، خیانت به مثابه انتقام، پذیرش ناگزیر، آشفتگی ناشی از خیانت و فرسایش ارتباطی خانواده. بعلاوه، شریفی‌ساعی و آزادارمکی (شریفی‌ساعی و آزادارمکی، ۱۴۰۰: ۶۳) در یک مطالعه فراترکیب ۹ عامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی را شناسایی کردند که عبارت‌اند از عوامل اجتماعی، روانشناختی، فرهنگی، خانوادگی، فردی، عوامل رابطه‌ای، اقتصادی، رسانه‌ای و عوامل زمینه‌ای. همچنین تاج‌بخش (۱۴۰۰: ۵۹۰) ۶۰ عامل زمینه‌ساز برای روابط فرازناشویی استخراج کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از شبکه‌های اجتماعی، تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج و کاهش پایبندی به ارزش‌ها. به صورت کلی می‌توان گفت که مطالعات کیفی عوامل مرتبط با روابط فرازناشویی را به عوامل درونی (ویژگی‌های فرد پیمان‌شکن و همسر)،

بین فردی، تعاملی، باورهای فرهنگی، ارزش‌ها و شرایط اجتماعی - اقتصادی نسبت داده‌اند (عطاپور، احمدی، فلسفی‌نژاد و خدابخشی‌کولایی، ۱۳۹۹؛ فتحی، ستار و جوادیان، ۱۳۹۵؛ فولادیان، ۱۴۰۰؛ بهمنش و رضایی، ۱۳۹۹؛ غفوریان نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷؛ کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰؛ خامسان و همکاران، ۱۴۰۱؛ مایلی، اللهیاری، کرمی و سهرابی، ۱۳۹۹؛ نرگسی، جدیدی و هادی، ۱۳۹۸؛ زمردیان و اکبری، ۱۴۰۰؛ تمرچی، اسدپور و زهراکار، ۱۴۰۰).

اکثر پژوهش‌های بالا به صورت تحلیلی، فراتحلیل و متکی به روش داده‌بنیان^۱ بوده و پدیدارهای عمیق و وجودی افراد پیمان‌شکن کمتر مورد کند و کاو قرار گرفته است. درحالی‌که تغییر در پدیدارهای وجودی (از قبیل آزادی وجودی^۲، عشق، معنایابی^۳، اضطراب وجودی^۴) و تجربه بحران‌های وجودی^۵ (دگرگونی‌های بنیادین در ارزش‌ها) فرد را مستعد روابط فرازنانشویی می‌کند؛ بنابراین، در علت‌شناسی روابط فرازنانشویی پدیدارهای وجودی باید مورد واکاوی قرار گرفته و عوامل مربوط به آن‌ها نیز استخراج گردد (چوپانی، فاتحی‌زاده، آسنجرانی و دیکاستروکوریا، ۱۴۰۰). در این راستا، چوپانی و همکاران (۱۴۰۰) و فاتحی‌زاده، چوپانی، آسنجرانی و دیکاستروکوریا (۱۴۰۱) در یک مطالعه پدیدارشناسانه، نشان دادند که مهم‌ترین علت روابط فرازنانشویی در مردان، «از خودبیگانگی وجودی^۶» است که دارای مضامین فرعی کشمکش با تنهایی وجودی، سرنوشت‌ناپذیری، دگرگونی ارزشی، عشق توخالی، درنگ‌گریزی و پوچی‌گریزی بود؛ بنابراین، انجام مطالعات پدیدارشناسه عمیق جهت شناسایی علل بنیادین و عمیق درون‌روانی ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه نظری

دیدگاه‌های نظری متعددی برای تبیین بروز روابط فرازنانشویی مطرح شده است از قبیل مدل سرمایه‌گذاری تعهد^۷، مدل نهادی^۸، دل‌بستگی، نظریه کنترل^۹، نظریه کمبود^{۱۰}

1. Grounded Theory
2. Existential Freedom
3. Meaning
4. Existential anxiety
5. Existential crises
6. Existential alienation
7. Investment model of commitment
8. Institutional model
9. Control
10. Deficit

و نظریه تبادل اجتماعی^۱ (Wilcox & Nock, 2006). برای مثال طبق نظریه کمبود اگر رابطه زناشویی در یک زمینه (مثل رضایت جنسی) دچار نقص یا کمبود شود، رضایت مندی پایین زمینه‌ساز روابط فرازناشویی می‌شود. تقریباً در تمام مطالعات کیفی، نقص و کمبود در رابطه جنسی و عاطفی از علل رابطه فرازناشویی بوده است. طبق مدل سرمایه‌گذاری تعهد^۲، روابط فرازناشویی را می‌توان به عنوان تابعی از عدم رضایت، عدم سرمایه‌گذاری و تبادل‌های درک شده^۳ پایین تفسیر کرد. مطالعات مرتبط نیز نشان داده‌اند از منظر مدل نهادی افرادی که به ازدواج متعهد نیستند، تمایل ندارند که ذهنیت نوع دوستانه^۴ را نسبت به شریک زندگی خود پرورش دهند و منابع اجتماعی و هنجاری^۵ را با شریک زندگی خود به اشتراک بگذارند (Wilcox & Nock, 2006). طبق نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^۶، نیز نگرش (باورهای رفتاری^۷)، مثل نگرش مثبت یا منفی به رابطه فرازناشویی) و هنجارهای اجتماعی^۸ (باورهای هنجاری؛ مثل نگرش دیگران یا جامعه به فرد پیمان‌شکن) و کنترل رفتاری ادراک شده^۹، تمایلات (قصد‌ها؛ رابطه فرازناشویی) را پیش‌بینی می‌کند (Ajzen, 2022). طبق مطالعات گذشته نیز نگرش مثبت به رابطه فرازناشویی با رابطه مثبت دارد (فولادیان، ۱۴۰۰؛ بهمنش و رضایی، ۱۳۹۹)؛

بر اساس نظریه کاشت^{۱۰} که بر نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد، شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی در فیلم‌ها و نمایش‌های مختلف، با کاشت نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها در ذهن مخاطبان، تصویری نو از زندگی را به آن‌ها ارائه می‌دهند که احتمال دارد با الگوهای آن‌ها از یک خانواده و همسر ایده‌ال متفاوت باشد؛ بنابراین، الگوهای ایده‌آل آن‌ها دچار تغییر می‌شود و شیوه‌ایی نو از زندگی را شروع می‌کنند که در آن ایجاد حس رقابت جنسی و تفکر آزاداندیشی نسبت به تعهد، حس مسئولیت و وفاداری در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین، خیانت زوجین می‌تواند پیامد مهم این شبکه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای در نظر گرفته شود. به عبارت دقیق‌تر،

1. Social exchange
2. Investment model of commitment
3. Perceived alternatives
4. Altruistic mindset
5. Normative
6. Theory of Planned Behavior
7. Behavioral Beliefs
8. Normative Beliefs
9. Perceived Control
10. Cultivation

رسانه‌های اجتماعی با کاشت ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی خاص خود، تأثیرات معناداری در نگرش و رفتارهای مخاطبان ایجاد می‌کند و در نتیجه سبک زندگی زناشویی دلخواه خود را در زندگی مخاطبان شکل می‌دهند (Gerbner & Gross, 1976؛ به نقل از غفوریان‌نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷). در مطالعات پیشین نیز رسانه‌ها و کاشت افکار ناشی از آن با ایجاد خیانت‌های زناشویی رابطه معنادار داشته است (Isma & Turnip, 2019; Jeanfreau & Mong, 2019; Bashirpour, Shafiaba-) (di, & Doukaneifard, 2020).

یکی دیگر از نظریات مرتبط، نظریه عشق سیال^۱ است. به صورت کلی، در این نظریه مصرف‌گرایی و در پی آن نگاه کالاگونه به موجودیت انسان یکی از ویژگی‌های دوران مدرن است. طبق این نظریه، مصرف‌گرایی در دنیای امروزی محدود به کالاهای مصرفی نیست، بلکه به روابط نیز تسری یافته است. با افزایش مصرف‌گرایی و نگاه کالایی به انسان، سیالیت عشق نیز افزایش خواهد یافت و در نتیجه ارزش ذاتی شریک عاطفی به عنوان انسان منحصر به فرد نادیده گرفته می‌شود (Bauman, 2013)؛ به عبارت دیگر، مردان و زنان دنیای مدرن به شدت نیازمند ایجاد رابطه هستند، اما درعین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و رابطه آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند و موجب سلب آزادی آنان شود. به همین سبب به سمت عشق‌های سیال روی می‌آورند. عشق سیال به این موضوع اشاره دارد که فرد به جای ترمیم و جایگزینی منافع دگرخواهانه بر منافع فردی، به دنبال روابط کوتاهی است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نیازهای عاطفی و جسمی وی پاسخ دهد؛ ولی او را از عشق‌های احتمالی و بهتر در آینده محروم نکند. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند اما تنها مزیت‌های آن را می‌خواهند و نه مشکلاتش را. فرد مدرن با احساس فردیت و تنهایی فزاینده به برقراری روابط با دیگران تمایل می‌شود؛ اما پس از ورود به جریان رابطه درمی‌یابد که نه خود تمایلی برای تعهد و سرمایه‌گذاری دائمی در این رابطه دارد و نه شریک او. به این ترتیب آنچه قرار بود تنهایی او را مرتفع کند و نوعی ثبات و اطمینان روانی به وجود آورد، منشأ اضطراب مضاعف شده است. چنین دیدگاهی است که فرد را وارد روابط متعدد می‌کند؛ نه از آن جهت که شریک معتمد و متعهدی برای باقیمانده زندگی بیابد بلکه به آن خاطر که فرد خود را از خطر وابستگی به یک فرد رها کند. از جهت دیگر او می‌داند دیگرانی نیز هستند که ممکن است از

شریک فعلی او شرایط بهتری داشته باشند؛ بنابراین، با وجود قابلیت‌ها و شایستگی شریک فعلی می‌توان به راحتی او را کنار گذاشته و با دیگری رابطه جدید را برقرار کرد؛ بنابراین، شخص به سمت روابطی خارج از چهارچوب ازدواج گرایش پیدا خواهد کرد (Bauman, 2013).

عشق سیال محصول دوره مدرن است، دوره‌ای است همه‌چیز جاری و در جریان است و هیچ‌چیز ایستا نیست. همه‌چیز در این جامعه، مدام در جریان است و اصلاً وقفه ندارد. وضعیت را نوگرایی/مدرنیته سیال گفته می‌شود. اساس بحث مدرنیته سیال این است که انسان‌ها امروزه در عصری زندگی می‌کنند که هیچ‌گونه تشکل اجتماعی شکل نمی‌گیرد و متبلور نمی‌شود و به‌صورت یک نهاد مستمر و محکم در نمی‌آید و در واقع هیچ‌چیزی تبدیل به سنت نمی‌شود (Bauman, 2013). از سوی دیگر مدرنیته‌گرایی و عدم هدف‌مندی و پایبندی به ارزش‌های خاص افراد را مستعد خلأ وجودی و بی‌معنایی خواهد کرد که زمینه‌ساز بروز انواع اختلاط و نابهنجاری‌های است (Buténaité, Sondaité, & Mock-us, 2016). در همین راستا چوپانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که بی‌معنایی از طریق عشق سیال منجر به رابطه فرازنشویی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی است و در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری^۱ (Frechette, Bitzas, Aubry, Kilpatrick & La-voie-Tremblay, 2020) انجام گرفت. پدیدارشناسی تفسیری نوعی از پدیدارشناسی وجودی^۲ یا پدیدارشناسی هایدگری^۳ است که بر درک منحصر به فرد شرکت‌کنندگان از هستی متمرکز است. یک مطالعه پدیدارشناسی تفسیری، نشان‌دهنده‌ی برداشت و درک فرد از زمینه‌های اجتماعی است. به عنوان مثال، بودن و زیستن با دیگران^۴ به عنوان یک زمینه اجتماعی مهم، برای افراد مختلف می‌تواند معانی و ارزش‌های متفاوتی داشته باشد که فقط از طریق تفسیر دیدگاه فرد قابل دستیابی است.

نمونه و جامعه آماری

جامعه آماری، شامل زوجین شهر بیرجند بودند که از خرداد ۱۴۰۲ تا دی ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره راه‌نو، رویش، میثاق و همراه مراجعه کرده بودند. از بین این زوجین، ۲۱ نفر که سابقه رابطه فرازنشویی داشتند (فرد خیانت‌کننده) به روش هدفمند انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان از مراجعین آزاد بودند که داوطلبانه به مراکز مشاوره جهت مشاوره فردی یا خانوادگی مراجعه کرده بودند. داده‌ها با ۱۸ نفر به اشباع رسید ولی نمونه‌گیری تا ۲۱ نفر ادامه یافت. معیارهای ورود عبارت بودند از: حداقل یک‌بار تجربه خیانت زناشویی در یک سال اخیر، حداقل ۵ سال از زندگی تأهلی گذشته باشد، تمایل و رضایت به شرکت در مصاحبه، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم. معیارهای خروج نیز عبارت بودند از: عدم همکاری در مصاحبه و داشتن اختلال روانی حاد (به تشخیص مصاحبه‌گر).

ابزار

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته: در مطالعه حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شد. پژوهشگر با مطالعه پیشینه نظری و تجربی روابط فرازنشویی سؤالات مرتبط را استخراج کرد. در فرایند مصاحبه‌ها ابتدا سؤالات کلی پرسیده شد و با عمیق‌تر شدن مصاحبه، سؤالات پیگیری و اکتشافی طرح شدند. در واقع سؤالات شامل دو بخش بود: الف) مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی؛ ب) سؤالات مربوط به روابط فرازنشویی. سؤالات مربوط به رابطه فرازنشویی با سؤال رابطه شما با همسرتان چگونه بود؟ شروع شد و با سؤالات وجودی (از قبیل عشق برای شما چه معنایی دارد؟ آزادی و آزاد بودن در رابطه زن و شوهری چه معنایی برای شما دارد؟ آیا احساس تنهایی داشتید؟ زندگی برای شما چه معنایی دارد؟) پیگیری شد. روند اجرای پژوهش: بعد از استخراج سؤالات مصاحبه بر اساس مطالعات پیشین، داده‌ها طی دو تا سه جلسه مصاحبه توسط ۳ تن از اساتید روان‌شناسی جمع‌آوری شد و متوسط زمان هر مصاحبه ۹۵ دقیقه بود. با توجه به ماهیت حساس موضوع، سؤالات از جلسه سوم تا پنجم و حین مشاوره از آزمودنی‌ها پرسیده شد تا کمترین سوگیری ایجاد شود. لازم به ذکر است ۷ نفر از ۲۱ آزمودنی اجازه ضبط مصاحبه را ندادند و فقط یادداشت‌برداری انجام پذیرفت. همچنین جهت حفظ شرایط اخلاقی در یادداشت‌های مصاحبه و ضبط‌ها از شماره (کد) به‌جای اسم افراد استفاده شد.

درنهایت، یادداشت‌برداری‌ها و مصاحبه‌ها ضبط شده بعد از تحلیل امحاء شدند. برای تعیین اعتبار داده‌ها از چهار شاخص اعتبار و مقبولیت^۱، اطمینان‌پذیری^۲، قابلیت تصدیق^۳ (تأییدپذیری) و انتقال‌پذیری^۴ استفاده شد. برای تضمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها تا جای امکان متن مصاحبه به صورت مکتوب به شرکت‌کنندگان داده شد و در صورت لزوم تغییرات اعمال گردید. به‌منظور تضمین قابلیت تصدیق تلاش شد از نفوذ پیش‌فرض‌های پژوهشگران در فرایند تجزیه و تحلیل و تفسیر خودداری شود و همچنین متن مصاحبه و مضمون‌ها در اختیار دو تن از متخصصان خانواده‌درمانی دیگر قرار گرفت و تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین اطمینان‌پذیری از نتایج، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تحت نظارت چند تن از اساتید روان‌شناسی انجام پذیرفت. جهت برآورد انتقال‌پذیری، نمونه‌ها از کلینیک‌های مختلف جمع‌آوری شده و ویژگی‌جمعیت شناختی و فرایند جمع‌آوری اطلاعات با دقت شرح داده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری (Frechette et al., 2020) استفاده شد. در این راستا، ابتدا مصاحبه‌ها بر روی برگه‌های دستی مکتوب شدند. سپس پژوهشگر به تکرار این متون را مورد مطالعه قرار داد (هر متن حداقل ۹ بار) تا بیش‌ترین دقت نسبت به درونیات و محتویات متن‌ها به دست آورد. در مرحله بعد، با تکیه بر یادداشت‌های انجام شده، برای هر مصاحبه خلاصه‌های تفسیری نوشته شد و درنهایت تلاش شد تا معنای نهان آن‌ها کشف گردد. لازم به ذکر هر مصاحبه جداگانه تحلیل شد. با ادامه مصاحبه‌ها، مضامین استخراج شده صریح‌تر، جامع‌تر و گاه در مضامین پیشین تجمیع می‌گشتند. برای تناقض‌زدایی در تفسیر و تصریح مضمون‌ها فرآیند بازگشت مجدد به متن‌ها انجام شد. این کار بارها انجام شد تا بین تفسیرهای پدیداری و مضامین، ارتباط بهتری برقرار شود. بعد از استخراج، کدگذاری و مقوله‌بندی اطلاعات، مضمون‌های مرتبط و مشترک، در قالب مضمون‌های فرعی و درنهایت مضمون اصلی ترکیب و مضامین نامرتب حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین طبقه‌ها و یکپارچه‌سازی آن‌ها، از تلفیق تفکر استقرایی و قیاسی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. وضعیت شرکت کنندگان را برحسب جنسیت، سن، مدت ازدواج، تحصیلات، تعداد سابقه درخواست طلاق، طول خیانت و نوع خیانت (عاطفی، جنسی، مختلط) را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	مدت ازدواج	طول خیانت	نوع خیانت	سابقه درخواست طلاق	تعداد فرزند
۱	مرد	۴۱	کارشناسی ارشد	۱۱	۳ ماه	عاطفی	۱	۱
۲	مرد	۲۷	کارشناسی	۵	۲ سال	مختلط	۲	۰
۳	مرد	۲۸	دیپلم	۱۰	۶ ماه	مختلط	۰	۱
۴	زن	۲۹	فوق دیپلم	۸	۹ ماه	عاطفی	۰	۰
۵	زن	۳۵	کارشناسی ارشد	۱۴	۲ سال	مختلط	۲	۲
۶	زن	۴۲	فوق دیپلم	۲۳	۱ سال	عاطفی	۱	۱
۷	زن	۳۷	دانشجوی پزشکی	۱۰	۴ سال	مختلط	۰	۱
۸	زن	۲۸	دیپلم	۶	۱ سال	جنسی	۰	۰
۹	مرد	۳۶	کارشناسی	۸	۳ سال	مختلط	۲	۲
۱۰	مرد	۳۵	کارشناسی ارشد	۴	۱۸ ماه	جنسی	۰	۰
۱۱	زن	۲۶	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۲	مرد	۴۲	دیپلم	۱۸	۸ سال	مختلط	۱	۲
۱۳	مرد	۳۴	کارشناسی	۱۰	۴ ماه	مختلط	۰	۲
۱۴	مرد	۳۷	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۵	مرد	۳۳	کارشناسی	۹	۳ سال	مختلط	۰	۱
۱۶	زن	۲۷	دیپلم	۷	۱ سال	مختلط	۱	۱
۱۷	مرد	۳۴	کارشناسی	۱۴	۳ سال	جنسی	۱	۲
۱۸	مرد	۲۸	کارشناسی	۴	۱ سال	جنسی	۱	۰
۱۹	زن	۳۷	کارشناسی ارشد	۸	۳ سال	مختلط	۰	۱
۲۰	زن	۲۹	کارشناسی	۵	۱ سال	عاطفی	۱	۰
۲۱	زن	۳۷	کارشناسی ارشد	۱۵	۱ سال	مختلط	۰	۰

کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازنشویی [...] |

واکاوی تجارب زیسته افراد منجر به استخراج یک مضمون اصلی (خلاً وجودی/ بی‌معنایی)، ۵ مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌پذیری، بحران‌های بین‌فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و دگرگونی ارزشی) و ۱۳۵ واحد معنایی اولیه (مفهوم اولیه) گردید. جدول شماره ۲ یافته‌های اصلی این تحقیق را همراه فراوانی آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲. علل پدیدارشناختی روابط فرازنشویی

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
		محدودیت مختل	استحقاق‌گرایی و احساس استحقاق، تعهدگریزی، نگرش منفی به تعهد، آزادی‌پنداری افراطی، نگرش مثبت به بی‌وفایی، نگاه به وفاداری به عنوان مانع ارتباط با دیگران، عدم پایبندی به محدودیت‌های حد و مرزدار زناشویی، برابر بودن باوفایی با بی‌تجربگی، حصار بودن باوفایی، تکراری بودن شریک جنسی/عاطفی، خودمحوری در رابطه جنسی، مسئولیت‌گریزی، ازدواج به عنوان یک قرارداد معمولی، حماقت‌انگاری انحصار جنسی.	۱۴
	بحران‌های وجودی	گم‌گشتگی/ تنهایی وجودی	احساس مهم نبودن، احساس درک نشدن، احساس بی‌هدفی، پیوندجویی وسواسی، عشق‌خواهی جبری، خلاروانی/عاطفی، تنهایی‌گریزی، احساس مبهم از خود، اجتناب از تأمل درباره خود، احساس هویت‌مندی در حضور دیگران، احساس هویت‌مندی با ترغیب دیگران به رابطه، احساس تنها بودن، ناامیدی، درماندگی.	۳۶

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
خلأ وجودی/ بی‌معنایی وجودی		اشتیاق گرایي/ عشق سیال	جستجوی وسواسی رابطه جنسی، تنوع‌جویی، نگاه ابزارگونه به انسان، بی‌احساسی نسبت به عشق، بازی دادن دیگران، بی‌معنی بودن عشق، سودجویی جنسی در ارتباطات، تغییر موضوع عشق، مقدم بودن اشتیاق بر عشق، پر کردن زمان بیکاری، تصویرسازی‌های جنسی با اندام‌های متفاوت.	۱۶
		شخصیت مستعد	ویژگی‌های شخصیتی (نه اختلال) از قبیل وابسته، مرزی، خودشسته، نمایشی، ضداجتماعی، ماکیاوولی، برونگرایی، خودکنترلی پایین، بدتنظیمی هیجانی، عدم مدیریت هیجانی، افسردگی، مصرف مواد، عزت‌نفس پایین.	۱۴
آمادگی آسیب‌خیزی	پیشینه آسیب‌زا		تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج، نابسامانی خانواده، طلاق در خانواده، آسیب‌های کودکی، دل‌بستگی نایمن، سابقه فردی رابطه فرازنشویی، سابقه خانوادگی رابطه فرازنشویی، دل‌بستگی به شخص دیگر در قبل از ازدواج، اختلاف سنی زیاد.	۱۶
		بن‌بست‌پنداری زناشویی	عدم پیشرفت زندگی و درجا زدن، بکنواختی عاطفی-جنسی، نارضایتی جنسی، تابو بودن طلاق، طلاق عاطفی، دسترس‌ناپذیری یکی از زوجین، ناتوانی در حل تعارض، قهر و اجتناب از حل تعارض، خشونت (کلامی، هیجانی و فیزیکی)، پشیمانی از ازدواج، دلزدگی زناشویی.	۱۸
	بحران‌های بین‌فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن	پذیرش‌گریزی	انتقاد از همسر و خانواده همسر، انتقاد از ظاهر و جذابیت همسر، بی‌احترامی زوجین، نارضایتی از ازدواج، سرزنش یکدیگر، غر زدن، رفتار تحقیرآمیز همسر، بی‌توجهی همسر، عدم ابراز محبت همسر، توجه مشروط به همسر.	۱۸

کاوش عوامل مرتبط با رابطه فرازنشویی [...]]

مضمون اصلی / محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
		تقابل‌گرایی	انتقام از همسر و خانواده همسر، انتقام از سردمزاجی همسر، تلافی کردن بدرفتاری‌ها جسمانی و هیجانی، جبران همراهی نکردن همدیگر در امور روانی، اجتماعی و خانوادگی، مقایسه کردن/شدن با دیگران، پیدا کردن جایگزین برای همسر، رقابت با همسر، خشم و خشونت، لجاجت با دخالت خانواده.	۱۵
	سوق‌دهنده‌های اجتماعی (سوق‌یافتگی)	بافتارگرایی	فرصت‌های خیانت مثل مسافرت، شغل مختلط و دوری محل کار از خانه، شبکه‌های اجتماعی و مجازی (فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام و...)، فیلم‌های مروج خیانت و پورن، همگامی با دوستان منحرف، همگامی با همکاران منحرف، همگامی با همکلاسی‌های منحرف، ادامه معاشرت‌های دوران مجردی، آشنایی‌های تصادفی.	۱۹
		همسرگزینی نامساعد	ازدواج اجباری، ازدواج برای فرار از خانه، ازدواج برای تأمین هزینه‌های مالی، عدم آشنایی کافی با همسر، انتخاب همسر بدون توجه به ملاک‌های معین، عدم توجه به تناسب پایگاه اجتماعی همسر، بی‌توجهی به فیزیکی و ظاهری همسر.	۹
	تأثیرپذیری از جو اجتماعی / دنباله‌روی		مدگرایی و به‌روز بودن، روشن فکر بودن، مد شدن دور همی‌های اجتماعی، باب‌شدن طلاق.	۸
	ایدئولوژی‌های جنسیتی		دیدگاه مردسالاری، دیدگاه زن‌سالاری، سهل‌گیری نسبت به مردان، عدم پذیرش برابری جنسیتی.	۴
		کاهش معنویت‌گرایی / بحران معنویت	عدم معنابخشی مذهب، کاهش دین‌داری و معنویت، دین‌داری فردگرا (مثل خودصیغه‌خوانی)، سبک تربیت دینی، عدم گناه‌پنداری رابطه جنسی.	۱۴

مضمون اصلی/ محوری	زیرمضمون‌ها	مفاهیم نهایی	مفاهیم اولیه همراه کدها	فراوانی
	دگرگونی ارزشی	مدرنیته‌گرایی/ دگرگونی فرهنگی	عدم پابندی به سنت‌ها، مغایرت سنت‌ها با آزادی، اعتقاد به آزادی جنسی، تقلید از فرهنگ‌های مغایر، نسبییت اندیشی و فردیت‌گرایی، لذت‌جویی، محقق کردن فانتزی‌های جنسی غیرقابل قبول، رواج روابط جنسی مبتنی بر تبادل (ضربدری).	۱۵

مضمون اصلی: خلأ وجودی یا بی‌معنایی وجودی

مضمون محوری این مطالعه که تقریباً تمام شرکت‌کنندگان به روش‌ها متفاوت به آن اشاره کردند، خلأ وجودی/بی‌معنایی وجودی بود. بی‌معنای/خلأ وجودی حاکی از یک تهدید خلأ انسانی بنیادین برای وجود افراد پیمان‌شکن بود که در اکثر گفت‌وگوهای مصاحبه‌شوندگان وجود داشت و به نوعی با تمامی زیرمضمون‌ها ارتباط داشت. آن‌ها از هویت خود گرفته تا ارزش‌های جامعه بیگانه بودند و حتی زندگی زناشویی برایشان معنا و مفهومی نداشت. از نظر آن‌ها عشق واقعی وجود نداشت، اشتیاق (هوس) بر عشق واقعی غلبه دارد. آن‌ها احساس رهاشدگی و گم‌گشتی داشتند و زندگی تجردی و دوران کودکی آن‌ها ناخوشایند بوده و نتوانسته بودند در گذشته احساس ارزشمندی کنند و معنای اصیل زندگی را پیدا کنند (زندگی هدفمند نداشته و احساس هدفمندی هم نداشتند). بی‌معنایی و احساس خلأ باعث می‌شد شرکت‌کنندگان در روابط بین‌فردی به هنگام تجربه تعارض (به عنوان بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی زناشویی)، بن‌بست‌سازی کنند و راه‌حل منطقی برای آن نداشته باشند و احساس می‌کردند به دیگران مرتبط نیستند. همچنین به جایی پذیرش تعارضات به عنوان رویداد اجتناب‌ناپذیر زندگی تأهلی و تلاش برای حل آن‌ها، دچار اضطراب مهم نبودن و اضطراب درک‌شدنی می‌شدند. عدم احساس هدفمندی، ارزشمندی و احساس خلأ آن‌ها را دچار سوق‌یافتگی کرده بود و بدون تأمل، توسط دیگران و شرایط هدایت می‌شدند؛ بنابراین، در بافت‌های اجتماعی مختلف و حتی همسرگزینی، معیارها و ملاک‌های معین و هدفمندی نداشتند که راهنمای رفتاری آن‌ها باشد. در نهایت، شرکت‌کنندگان به علت خلأ وجودی درک معنابخشی از مذهب نداشتند دچار دگرگونی ارزش‌ها و بحران معنویت شده بودند. در ارتباط نقل‌قول‌هایی که به‌طور مستقیم با بی‌معنایی مرتبط شرکت‌کننده شماره

۱۱ گفتند «... الان به مرحله‌ایی رسیدم که به خودم می‌گم که چی؟ همه اینا تهش که چی؟ و هیچ معنایی نمی‌تونم برای هرکاری که انجام می‌دم یا انجام خواهم داد یا می‌تونم انجام بدم پیدا کنم». بعلاوه مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت «اصلاً نفهمیدم تو این زندگی چی می‌خوام...».

زیرمضمون‌ها: در این بخش زیرمضمون‌ها همراه مؤلفه و مفاهیم نهایی توضیح داده شده‌اند.

۱. بحران‌های وجودی

شرکت‌کنندگان در پذیرش اصل‌های وجودی هم دچار مشکل بودند و بحران‌های وجودی همراه با ۳ مؤلفه و مفهوم نهایی (محدودیت مختل، اشتیاق‌گرایی/عشق سیال و گم‌گشتگی/تنهایی وجودی) از مهم‌ترین تجارب پدیدارشناسانه افراد پیمان‌شکن بود. شرکت‌کنندگان در این مطالعه درباره واقعیت‌ها و مفاهیم وجودی از قبیل عشق، آزادی، مسئولیت و تنهایی وجودی دچار بحران شده بودند. بیشتر دنبال رابطه جنسی بودند تا عشق اصیل و عشق (غیراصیل) آن‌ها مدام در حال تغییر بوده و معتقد بودند که اشتیاق بر عشق مقدم است. برای مثال شرکت شماره ۱ بیان کرد: «عشق! (خنده) من به عشق اعتقادی ندارم...». آن‌ها در پذیرش تعهد و محدودیت هم نقص داشتند (محدودیت مختل) این افراد به شدت با احساس تنهایی وجودی، رهاشدگی و گم‌گشتی در کشمکش بودند. در این راستا، بعد از تشکیل روابط فرازناشویی در کوتاه‌مدت در جدال با رهاشدگی و گم‌گشتی موفق بودند. ولی بعد از گذشت زمان دوباره احساس تنهایی کرده و سعی در جستجوی روابط تازه بودند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۶ ابراز کرد «... خودتونو بذارید جای من که همش احساس تنهایی می‌کنید، احساس می‌کنید رها شدید و کسی بهتون تعلق خاطر نداره.... تازه من یه احساسی هم دارم که کسی درکش نمی‌کنه...».

۲. آمادگی آسیب‌خیزی

آمادگی آسیب‌خیزی همراه با ۲ مؤلفه و مفهوم نهایی (شخصیت مستعد و پیشینه آسیب‌زا) از دیگر تجارب پدیدارشناسانه افراد پیمان‌شکن بود. تحلیل‌گفتمان شرکت‌کنندگان نشان داد که این افراد از لحاظ شخصیتی، روان‌شناختی و پیشینه زندگی مستعد روابط فرازناشویی بودند. در این میان، بعضی از آن‌ها دچار بی‌ثباتی در اهداف

و ارزش‌گذاری‌ها بودند و ارزنده‌سازی - ناززنده‌سازی افراد نزدیک، جزء لاینفک زندگی‌شان بود. در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان کرد «ببینید من خیلی وقتاً دنبال یک رابطه نبودم فقط با ادواطوار رفتار می‌کردم که توجه فرد را بگیرم آخه این‌طوری حس خوبی داشتم که بهم توجه می‌کردن ... حتی وقتی جمعی با دوستانم بیرون می‌رفتیم تلاش می‌کردم مرکز توجه باشم، سر این قضیه با همسرم بحث‌مون شده بود... اینقد ادا بازی داشتم که با یکی خیلی جور شدم. با این یارو که دوست شدم حس می‌کردم زندگیم تغییر کرده و انگار روح تازه‌ایی داشتم و همه چی برام قشنگ بود». همچنین تاریخچه زندگی آنها مملو از تجارب ناخوشایند بود. آنها معتقد بودند این اتفاقات ناگوار در نهایت باعث شده که نگاه بی‌معنایی به هستی و زندگی داشته باشند. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۶ بیان کرد «خودتونو بذارید جای من تو خانواده‌ایی باشید که مادرتون هر روز کتک بخوره و پدرتون هر روز بهتون گیر الکی بده. مثلاً یادمه من یه بار صبح دست و صورتمو که شستم، به موهام آب زدم و صافش کردم، پدرم این صحنه رو دید و با لهجه خاص خودش یک فحش بدی به من داد که نمی‌تونم بگم... راستش انگا منو دوس نداشتن... منم الان دوس داشتن بلد نیستم».

۳. بحران‌های بین فردی/عدم ارضای نیاز مرتبط بودن

سومین مضمون فرعی استخراج شده بحران‌های بین فردی بود که دارای ۳ مفهوم نهایی بن‌بست‌پنداری زناشویی، پذیرش‌گریزی و تقابل‌گرایی بود. شرکت‌کنندگان در زندگی روزمره و زناشویی دچار بحران‌های بین فردی بوده و این بحران‌ها برای آنها قابل پذیرش و تحمل نبود. آنها معنا و هدفی نداشتند که تحمل و پذیرش را برایشان تسهیل کند یا راهبردهایی را برای حل آن خلق کنند. آنها مشکلات جزئی را به عنوان بحران‌های لاینحل قلمداد می‌کردند و به سرعت دچار یاس و ناامیدی می‌گشتند. برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ بیان داشت «... از وقتی وارد بازاریابی شبکه‌ایی شدم فهمیدم ما چقدر از زندگی عقبیم و هیچ پیشرفتی نداریم و فقط سگ‌دو زدیم. من زندگی‌ایی که بدون پیشرفت باشه را نمی‌خوام. مگه میشه زندگی‌تون یکنواخت باشه و شما قبولش کنید؟ ... فقط دوس داشتن کافی نیست... من آدمیم که هم به لحاظ اقتصادی می‌خوام از همه آشناها سر باشیم و هم تو رابطه‌مون باید خیلی گرم باشیم. رابطه ما هراز گاهی بد میشه و من راضی نیستم». شرکت‌کنندگان همچنین از پذیرش همسر سرباز می‌زدند و رفتارهای منفی با همسر داشتند که بحران‌آفرین بود. آنها

پذیرش همسر را به رفتارهای خاصی که با پذیرش اصیل در تضاد بود مشروط کرده بودند. برای مثال شرکت شماره ۱۵ اظهار کرد «من هر کاری می‌کنم نمی‌تونم زنمو با زنایی که می‌بینم مقایسه نکنم حتی اگه بهش نگم تو ذهنم همش مقایسه میکنم و آرزو می‌کنم کاش مثلاً فلانی بود... من دوس داشتم زنم مثل زنای امروزی به روز و خوش تیپ باشه خیلی هم تلاش کردم حتی باشگاه ثبت‌نامش کردم ... آخرش دیدم نه این اونی میشه که من دوس دارم، نه من می‌تونم این همه دردسرو تحمل کنم...». در نهایت شرکت کنندگان وقتی از سمت همسر پذیرفته نمی‌شدند احساس می‌کردند ارزش وجودی خود را از دست داده‌اند و برای بازیافتن آن رفتارهای تقابلی گرایانه داشتند. در این راستا، آن‌ها همسر خود را مور خشم و انتقاد قرار می‌دادند، سعی داشتند از او انتقام بگیرند و دنبال فردی جایگزین برای همسر خود بودند.

۴. سوق‌دهنده‌های اجتماعی/سوق‌یافتگی

چهارمین مضمون فرعی استخراج شده سوق‌دهنده‌های اجتماعی نامیده شد که دارای ۴ مفهوم نهایی بافتارگرایی، همسرگزینی نامساعد، تاثیرپذیری از جو اجتماعی و ایدئولوژی‌های جنسیتی بود. شرکت کنندگان بر اساس انگاره‌های دیگران و از پیش موجود رفتار می‌کردند. آن‌ها در بستر و موقعیت‌هایی که حضور می‌یافتند، در آن گیر می‌کردند و بدون تأمل پاسخ می‌دادند. برای مثال شرکت کننده شماره ۸ بیان داشت «وقتی گوشو دستم می‌گرفتم دنبال پیچ‌ها و گروه‌هایی دوستی بودم. چنتاشو پیدا کرده بودم و هر روز عادت داشتم چک کنم. تو اینا همه جور آدم هست و روابط آزاده. شما می‌تونن عکس خودتو بدی و عکس دیگرانو ببینی تا شخص مورد نظر خودتو پیدا کنی... راستش برای اولین بار از طریق دوستم که مجرده با اینا آشنا شدم... زمان‌هایی که درگیر اینکارا بودم انگار سرحال بودم و وقتی می‌داشتم کنار اون بی‌حسی دوباره می‌اومد سراغم». شرکت کنندگان همچنین در شرایط انتخاب همسر هم خیلی تأمل نداشتند و در اینجا هم سوق‌یافتگی و رفتار براساس انگاره‌های دیگران مشاهده می‌شد. آن‌ها در انتخاب همسر ملاک‌محور عمل نکرده بودند و معیارهای مشخصی برای آن نداشتند. برای مثال شرکت کننده شماره ۲۰ گفتند «... من حتی در انتخاب همسر هم فکر نکردم به خدا. همه فکر و ذکر من این بود که از جهنمی که دارم فرار کنم...». سومین مؤلفه سوق‌یافتگی شرکت کنندگان، تاثیرپذیری افراطی از جو اجتماعی بود. آن‌ها به شدن تحت تأثیر شرایط جوی جامعه بودند و دنباله‌روی از رفتارهای

بارز آن‌ها محسوب می‌شد. در واقع، دنباله‌روی آن‌ها به یک سبک زندگی تبدیل شده بود که از آن طریق به زندگی و دنیا احساس تعلق می‌کردند. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۱ بیان کرد «تنها چیزی که فک کنم بهش علاقه دارم و دوس دارم همیشه انجام بدم آپدیت بودن. مثلاً اون وقتایی که لباس لاکچری و مد روز می‌پوشم با غرور راه میرم و حس خوبی دارم که شاید نتونم توصیفش کنم ... خیلی وقتاً مدل لباسم و به روز بودنم باعث میشه همه بهم توجه کنن ... اینطوری احساس خوبی دارم و دوسش دارم راستش». در نهایت سوق‌یافتگی‌ها در ایدئولوژی‌های جنسیتی هم متبلور شده بود و شرکت‌کنندگان دیدگاه‌های قالبی نسبت به جنسیت داشتند و دوگانگی جنسیتی برای آن‌ها قابل پذیرش نبود.

۵. دگرگونی ارزشی

آخرین مضمون فرعی که در این مطالعه استخراج شده دگرگونی ارزشی بود که شامل مفهوم نهایی بحران معنویت (کاهش معنویت‌گرایی) و مدرنیته‌گرایی (نوگرایی) بود. مصاحبه‌شوندگان با ارزش‌های جامعه ایرانی بیگانه شده بودند. از نظر آن‌ها مذهب و مناسک وابسته به آن دیگر معنایی ندارد و رهایی‌بخش نبود، دین‌داری فردگرا مثل خود صیغه‌خوانی را بر مرجعیت محوری ترجیح می‌دادند، نوگرا بودند، آداب و رسوم و سنت‌های از پیش موجود را نمی‌پذیرفتند. آن‌ها خرد خود را معیار درستی یا نادرستی رفتارشان می‌دانستند. دیدگاه لیبرال داشتند و معتقد بودند که آزاد هستند تا هر کاری بکنند. سنت‌های ازدواج را مغایر با آزادی می‌دانستند؛ گاه اعتقاد به آزادی جنسی در بعضی آن‌ها مشاهده می‌شد و حتی فانتزی‌های جنسی‌ای داشتند که با فرهنگ ایرانی - اسلامی همخوانی نداشت؛ به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها ارزش‌هایی مثل دین‌داری، معنویت و سنت‌ها نوعی محدودیت تلقی می‌شد که بیشتر پیشینیان از آن‌ها پیروی می‌کردند و در دنیای امروزی جایگاهی نداشته و حتی منجر به عقب‌ماندگی می‌شود. برای مثال شرکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کردند «من خیلی وقت است ارتباطم با خدا قطع شده است...». شرکت‌کننده شماره ۱۵ نیز بیان داشت که اجرای فانتزی‌های جنسی با اون فرد برایم راحت‌تر بود ... اون خیلی با فانتزهای من کنار می‌اومد. یادمه یکبار فانتزیمو به خانمم گفت چه الم شنگه‌ایی که به پا نشد.

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف واکاوی پدیدارشناختی علل روابط فرازشویی در زوجین شهر بیرجند انجام گرفت. در این مطالعه یک مضمون اصلی (خلأ وجودی/بی معنایی) و ۵ مضمون فرعی (بحران‌های وجودی، آمادگی آسیب‌خیزی، بحران‌های بین‌فردی، سوق‌یافتگی/سوق‌دهنده‌های اجتماعی و استحاله ارزشی) استخراج گردید.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه دچار خلأ وجودی یا بی‌معنایی وجودی شده بودند که با یافته چوپانی و همکاران (چوپانی و همکاران، ۱۴۰۰) همخوان است. آن‌ها نیز نشان دادند که بحران‌ها وجودی بویژه از خودبیگانگی وجودی اصلی‌تر عامل روابط فرازشویی در مردان است. حیدریان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز در یک مطالعه کمی نقش مثبت معنایابی را در تعهدات زناشویی نشان دادند. برای شرکت‌کنندگان این مطالعه، زندگی زناشویی و حتی دنیا اهمیت خودش را از دست داده بود و نمی‌توانستند رویدادها و افراد را به خودی خود بپذیرند. همچنین ابراز داشتند که خودشان هم پذیرفته نمی‌شوند و تلاش برای یافتن ارتباط‌های متعدد برای آن‌ها احساس معناجویی، هدفمندی و ارزشمندی می‌داد. خلأ وجودی تهدیدی برای هستی فرد قلمداد می‌شود که باعث ایجاد اضطراب می‌گردد. چنین اضطرابی فرد را برای مقابله یا دفاع، از جمله جستجوی معنا و/یا تجربه آسیب‌شناسی روانی، برمی‌انگیزد (Frechette et al., 2020)؛ بنابراین، انتظار مشکلات رفتاری، خانوادگی و زناشویی برای این افراد قابل تصور است. به‌طور اخص، خلأ وجودی شامل سه بعد درک‌نکردن^۲، بی‌هدفی^۳ و احساس بی‌اهمیتی^۴ است (Frechette et al., 2020). ابعادی که در این مطالعه نیز استخراج گردید. وقتی بین گزاره‌های فرد درباره چرایی وقوع رویدادها و تجربیات زندگی سازگار نباشد دچار عدم انسجام یا عدم درک می‌گردد. در واقع فرد نمی‌تواند به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهد: چرا این اتفاقات در زندگی من رخ می‌دهد؟ همچنین شرکت‌کنندگان احساس داشتند که توسط اهداف ارزشمند هدایت و انگیزه‌مند نمی‌شوند (بی‌هدفی). برای مثال، گزاره‌های فرد درباره دنیا ممکن است مشخص کند که «همسر خوب بودن» یک هدف بسیار مطلوب است و این هدف ممکن است برای هویت فرد، مرکزی باشد و ارزش‌های اصلی او را منعکس کند. چنین هدفی به احساس

هدف کمک می‌کند. احساسی که فرد را در زندگی هدایت و انگیزه‌مند می‌کند و نهایتاً مانعی برای روابط فرازناشویی خواهد بود. در نهایت شرکت‌کنندگان، احساس می‌کردند اهمیتی در زندگی ندارند (بی‌اهمیتی). اهمیت عبارت است از احساس برخورداری از اهمیت و ارزش در جهان و به معنای احساس این است که زندگی یک اهمیت عمیق و پایدار دارد. تجربه کم‌اهمیت بودن نیز به معنای احساس این است که وجود فرد اهمیت کمی دارد و نبودن او هیچ تأثیری بر جهان ندارد. برای مثال، وقتی فردی از سوی افراد مهم مثل همسر نازنده‌سازی شود؛ احتمال دارد به این دیدگاه تعمیم‌یافته دست یابد که «زندگی من برای این دنیا ارزشی ندارد» (احساس بی‌اهمیتی) و در این راستا، جهت‌بازیبی اهمیت خود دست به فعالیت‌های غیرارزشی مثل روابط فرازناشویی خواهد زد (Frechette et al., 2020). با ادراک این سه بعد وجودی اضطراب‌های مربوط به هر حوزه (اضطراب عدم درک، بی‌هدفی و بی‌اهمیتی) انگیزه می‌گردد (Li, Wong, McCullough, Jin, & Wang, 2022) و جهت کاهش تنش ناشی از آن فرد را به سوی روابط متعدد هدایت می‌کند.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه دچار بحران‌های وجودی بودند (تنهایی وجودی، عشق سیال/اشتیاق‌گرایی و محدودیت مختل). همخوان با این مطالعه فلاحیان و همکاران (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۸) نیز عشق سازنده را یک عامل بازدارنده برای روابط فرازناشویی معرفی کردند. همچنین فاتحی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در یک مطالعه کیفی، عشق توخالی و تنهایی وجودی را در ارتباط با روابط فرازناشویی استخراج کردند. بهمنش و همکاران (۱۳۹۹) و زمردیان و اکبری (۱۴۰۰) نیز احساس خلاً و تنهایی را به عنوان یک عامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی گزارش کردند. هم‌راستا با نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، نگرش مثبت به قصدهای رفتاری (مثل رابطه فرازناشویی) از پیش بین‌ها رابطه فرازناشویی محسوب می‌شود که در مطالعه حاضر در قالب محدودیت‌های مختل طبقه‌بندی شدند. بحران‌های وجودی به عنوان لحظه‌ای تعریف می‌شود که در آن فرد اساس زندگی خود را زیر سؤال می‌برد؛ آیا زندگی من دارای معنا، هدف یا ارزش است؟ به عبارتی دیگر، بحران وجودی به معنای یک رویارویی مداوم با محدودیت‌های انسانی خود است که شخص نمی‌تواند به‌طور کامل آن را کنترل کند و بنابراین اضطراب وجودی را تجربه می‌کند (Buténaité, Sondaité, & Mockus, 2016)؛ مشابه هر آنچه شرکت‌کنندگان در این مطالعه تجربه داشتند. آن‌ها ناامید و درمانده بودند، مسئولیت‌ها برایشان اضطراب‌زا بود، از تنهایی

اجتناب می‌کردند و دنبال روابط کوتاه‌مدت (عشق سیال) بودند، روابط حد و مرزدار را محدودیت می‌پنداشتند و غیره. در واقع بحران وجودی مؤلفه عاطفی زیادی دارد که بعضی از آن‌ها شامل درد عاطفی^۱، ناامیدی و درماندگی^۲، آسیب‌پذیری عاطفی^۳ و تنهایی است (Buténaité et al., 2016). این مؤلفه‌ها، جنبه‌هایی از بحران وجودی بودند که در مطالعه حاضر استخراج گردید. درد عاطفی زمانی به وجود می‌آید که فرد به بی‌معنا بودن وجود خود (خلأ وجودی) پی می‌برد. تجربه همزمان دو قطب متضاد آزادی و وابستگی نیز باعث ناامیدی و درماندگی فراگیر درونی می‌شود. در واقع پیوند زناشویی بخشی از وابستگی قلمداد می‌شود که از نظر شرکت‌کنندگان سلب‌کننده آزادی بود و آن‌ها با جستجوی روابط خارج از رابطه زناشویی دنبال آزادی بیشتر بودند. افراد حین تجربه آسیب‌پذیری عاطفی، طیف وسیعی از احساسات و از دست دادن احساس کنترل را تجربه می‌کنند (Buténaité et al., 2016). افراد حاضر در این مطالعه نیز تعدهای زناشویی را نوعی کنترل‌شدگی تفسیر می‌کردند که با آزادی ذهنی آنان مغایرت داشت. در واقع، رعایت تعهدات و چارچوب زناشویی برای آن‌ها مشکل‌زا و گاه به لحاظ عاطفی با درد و رنج همراه بود که روابط خارج از چارچوب می‌تواند راهبردی برای مقابله با این درد قلمداد شود. همچنین شرکت‌کنندگان، بر این باور بودند که در یک جهان بی‌رحم رها شده‌اند (رهاشدگی و گم‌گشتگی) که هر لحظه احتمال دارد دچار آسیب شوند. احساس گم‌گشتی و تنهایی برایشان آن‌قدر رنج‌آفرین بود که شرایط را برای روابط مختلف و نابهنجار (برای کاهش شدت گم‌گشتگی و تنهایی) فراهم می‌کرد. در نهایت، درگیر شدن در روابط فرازناشویی ناشی از نوعی اشتیاق‌گرایی و عشق سیال بود و اکثراً با هدف ارضای نیازها به‌ویژه نیاز جنسی برقرار می‌شد. به‌صورت کلی، می‌توان گفت که شرکت‌کنندگان برای اجتناب از اضطراب ناشی بحران‌های وجودی تلاش می‌کنند نیازهای خود را به‌صورت لحظه‌ای و بدون پایبندی به یک امر خاص (مثل تعهد زناشویی) ارضا کنند.

از دیگر یافته‌های این مطالعه که افراد را مستعد روابط فرازناشویی می‌کرد آمادگی آسیب‌خیزی (شخصیت مستعد و پیشینه آسیب‌زا) بود. مطالعات هم‌تجارب آسیب‌زای پیشین را به عنوان یک عامل اساسی در ایجاد احساس خلأ وجودی و نابهنجاری‌ها شناسایی کرده‌اند (Weibel et al., 2017). مشابه این مطالعه، شریفی‌ساعی و آزادارمکی

1. Emotional pain
2. Despair and helplessness
3. Emotional vulnerability

(۱۴۰۰)، کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، خامسان و همکاران (۱۴۰۱) از شخصیت به عنوان یک آمادگی برای روابط فرانشویی یاد کرده‌اند. در مطالعات تاج بخش (۱۴۰۰) عطاپور و همکاران (۱۳۹۹)، خیاط و همکاران (۱۳۹۷) و نرگسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز گذشته آشفته و نابهنجار (پیشینه آسیب‌زا) با روابط فرانشویی مرتبط بود. در این مطالعه ویژگی‌های شخصیتی وابسته، هیجان‌مدار، تجربه‌جو، برونگرا، خودکنترلی پایین، بدتنظیمی هیجانی، عدم مدیریت هیجانی و عزت‌نفس پایین از خصیصه‌هایی بود که شرکت‌کنندگان به نوعی به وجود آن‌ها اذعان داشتند. شاید نقطه تشابه این ویژگی‌های شخصی در بدتنظیمی هیجانی یا ناتوانی در مدیریت هیجان‌ها (خودکنترلی ناکافی) باشد. از سوی دیگر، پیشینه‌ی آسیب‌زا از قبیل تجربه رابطه جنسی قبل از ازدواج، نابسامانی خانواده، طلاق در خانواده، آسیب‌های کودکی، دل‌بستگی نایمن، سابقه رابطه فرانشویی، سابقه خانوادگی رابطه فرانشویی، دل‌بستگی به شخص دیگر در قبل از ازدواج و اختلاف سنی زیاد به نوعی فرد را از قبل آماده آسیب‌پذیری می‌کند. فردی که با پیشینه‌ی نابهنجار رشد کند در شرایط بحرانی یا زمان بروز تعارض بین فردی در مدیریت آن‌ها مشکلات بیشتری خواهد داشت و احتمال تجربه درک‌نشده‌ی مهم نبودن (از مؤلفه‌های خلأ وجودی) در زندگی آن‌ها زیاد است. همچنین فردی که قبلاً یک رابطه جنسی و فرانشویی لذت‌بخش را تجربه کرده باشد علاوه بر بهنجارسازی این روابط، این فرد معنای غیراصیل زندگی را در آن پیدا می‌کند؛ لذا احتمال تجربه مجدد آن افزایش می‌یابد؛ در نتیجه کاهش تعهدات زناشویی را به همراه خواهد داشت (عطاپور و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع می‌توان گفت این ویژگی‌های درونی و شرایط بیرونی مهیاساز، آمادگی‌های اولیه هستند که حتی قبل از ازدواج در افراد وجود داشته است. با توجه به مصاحبه‌ها، این آمادگی‌ها شرایطی را برای فرد رقم می‌زند که در آن اهمیت خود فرد و زندگی‌اش کاهش یافته (اگر نگوییم از بین می‌رود) و دچار بی‌هدفی و عدم درک زندگی (زندگی من به چه دردی می‌خورد؟) می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، زمینه برای تجربه بی‌معنایی و خلأ وجودی فراهم می‌گردد.

بحران‌های بین فردی با سه مضمون فرعی بن‌بست‌پنداری زناشویی، پذیرش‌گریزی و تقابل‌گرایی از دیگر عوامل زمینه‌ساز روابط فرانشویی بود. این بحران‌ها بیشتر شامل تعارضات بین زوجین با همدیگر و با خانواده‌های یکدیگر بود. این بحران‌ها از طریق عدم ارضای نیاز مرتبط بودن^۲ (یک نیاز وجودی) فرد را به سوی خلأ وجود

1. Normalization

2. Relatedness

هدایت می‌کند. در این راستا، شرکت‌کنندگان دچار بن‌بست‌پنداری زناشویی بودند؛ یعنی آن‌ها مشکلات و تعارضات غیرقابل اجتناب را به عنوان مشکلات لاینحل قلمداد می‌کردند. آن‌ها به خاطر این بن‌بست‌سازی، از ازدواج‌شان ابراز پشیمانی کرده و دچار دلزدگی زناشویی می‌شدند و احساس می‌کردند به دیگران مرتبط نیستند و توسط آن‌ها درک نمی‌شوند. پژوهش‌ها نیز ناامیدی برای حل تعارض را اولین گامی برای شکل‌گیری روابط فرازناشویی معرفی کرده‌اند (فتحی، ۱۳۹۵). دومین بحران بین‌فردی، پذیرش‌گریزی بود؛ یعنی، روش‌های معمول زوجین در تعاملات‌شان شامل انتقاد از همسر و خانواده همسر، انتقاد از ظاهر و جذابیت همسر، بی‌احترامی، ابراز نارضایتی از ازدواج، سرزنش یکدیگر، غر زدن، رفتار تحقیرآمیز، بی‌توجهی، عدم ابراز محبت، توجه مشروط و مقایسه کردن بود. در نهایت، زوجین نتوانسته بودند در امور مختلف باهم همسو و هماهنگ باشند و بیشتر در تقابل بودند (تقابل‌گرایی). این ناهماهنگی‌ها و رقابت بین زوجین منجر به بدرفتاری‌های فیزیکی و هیجانی شده و خشونت را بین آن‌ها رواج داده بود. مطالعات پیشین نیز به یافته‌های مشابهی دست‌یافتند. برای مثال در مطالعه غفوریان‌نوروزی و همکاران (۱۳۹۷) علل خانوادگی رابطه فرازناشویی با مفاهیمی از قبیل بی‌احترامی خانواده همسر و دخالت خانواده همسر همراه بود. در مطالعه تمرچی و همکاران (۱۴۰۰) عوامل تعاملی از قبیل قهرهای طولانی، تعارضات شدید و فرسودگی زناشویی؛ در پژوهش تاج‌بخش (۱۴۰۰) عوامل خانوادگی مثل یکنواختی در روابط زناشویی؛ در تحقیق مایلی و همکاران (۱۳۹۹) عوامل بین‌فردی مانند کیفیت پایین رابطه زناشویی و ناهمسویی و همراهی نکردن یکدیگر؛ و در مطالعه زمردیان و اکبری (۱۴۰۰) نیز مؤلفه‌های بین‌فردی از قبیل اختلال در رابطه عاطفی با همسر، سردی و نارضایتی جنسی از علل روابط فرازناشویی بود.

پنجمین یافته‌ها مهم در ارتباط با علت رابطه فرازناشویی، سوق‌دهنده‌های اجتماعی بود که دارای چهار بعد بافتارگرایی، تأثیرپذیری از جو اجتماعی/دنباله‌روی، همسرگزینی نامساعد و ایدئولوژی‌های جنسیتی بود. درواقع بسترهای اجتماعی می‌توانند به عنوان یک محرک شرایط را برای ایجاد روابط فرازناشویی مهیا سازد. فردی که در همسرگزینی معیارها و ملاک‌های روشنی نداشته باشد (مثل ازدواج بدون آگاهی یا اجباری، ازدواج جهت فرار از خانه و غیره) مستعد برقراری روابط عاطفی-جنسی است (۱۴۰۰). همایندی همسرگزینی نامساعد با بافت مستعد و فرصت‌های خیانت از قبیل مسافرت، شغل مختلط، شبکه‌های اجتماعی و مجازی (فیس بوک،

تلگرام، اینستاگرام و...)، فیلم‌های مروج خیانت و پورن، داشتن با دوستان منحرف و غیره موجب عادی‌سازی و سوق دادن فرد به رابطه فرازنشویی می‌شود؛ به عبارت دیگر، بر اساس نظریه کاشت همه افراد تحت تأثیر بافت اجتماعی به‌ویژه رسانه‌های جمعی هستند. در این راستا، افرادی که ملاک‌های روشنی جهت همسرگزینی ندارند از رسانه‌های جمعی، بافت زندگی، دوستان و غیره بیشتر تأثیر خواهند پذیرفت و لذا برای روابط فرازنشویی مستعد خواهند بود. در نهایت بسترها و سوق‌دهنده‌های اجتماعی در قالب ایدئولوژی‌های جنسیتی (دیدگاه مردسالاری، دیدگاه زن‌سالاری، سهل‌گیری نسبت به مردان، عدم پذیرش برابری جنسیتی) بروز یافت. شرکت‌کنندگان دیدگاه‌های کلیشه‌ایی نسبت به جنسیت داشتند و دوگانگی جنسیتی (آندروژن روانی^۱) برای آن‌ها قابل پذیرش نبود. مردان از پذیرش نقش‌های زنانه پرهیز می‌کردند و انتظارات رفتاری‌شان از خودشان حول محور آزادی و استقلال می‌چرخید و صفات بیانی^۲ (مثل نوع دوستی و محبت) را نشانه ضعف و بی‌معنی تفسیر می‌کردند و در نتیجه در ارضای نیازهای عاطفی زنان ناکام می‌ماندند. بعلاوه، به سبب وجود کلیشه‌هایی که معتقد است رابطه جنسی برای مردان در مقایسه با زنان درگیری عاطفی کمتری ایجاد می‌کند، خیانت مردانه غالباً طبیعی یا غیرمهم تلقی می‌شود؛ اما خیانت زنانه امری غیرطبیعی یا بسیار مهم تلقی می‌گردد؛ اما با گسترش ارزش‌های مدرن و ورود زنان به محیط کار، امروزه نظام جنسیتی دچار تغییر و تحولات اساسی شده است و برعکس، بعضی از زنان این مطالعه نیز دیدگاه‌ها زن‌سالاری داشتند و خودشان را برتر از مردان تلقی کرده و در این راستا خودشان را مستحق می‌دیدند. این تضادهای نگرشی وابسته به جنسیت با روابط فرازنشویی رابطه دارد (کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰). بسترهای اجتماعی از قبیل همسرگزینی نامساعد، شبکه‌های اجتماعی (تاج‌بخش، ۱۴۰۰)، ایدئولوژی‌های جنسیتی (کنعانی و علی‌جانی، ۱۴۰۰)، پورنوگرافی و بافتارگرایی (خامسان و همکاران، ۱۴۰۱)، ازدواج تحمیلی، مشکلات اقتصادی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵)، ازدواج مصححتی، ازدواج در سن پایین، تأثیرپذیری از دوستان و سهل‌گیری نسبت به مردان (فولادیان و همکاران، ۱۴۰۰) در مطالعات پیشین نیز استخراج شده بود.

آخرین مضمون فرعی مستخرج از این مطالعه دگرگونی ارزشی بود که دو مؤلفه بحران معنویت (از قبیل عدم معنا بخشی مذهب، کاهش دین‌داری و معنویت، دین‌داری فردگرا، سبک تربیت دینی، عدم گناه‌پنداری رابطه جنسی) و مدرنیته‌گرایی/دگرگونی

1. Psychological Androgyny

2. Expressive traits

فرهنگی (از قبیل عدم پایبندی به سنت‌ها، مغایرت سنت‌ها با آزادی، اعتقاد به آزادی جنسی، تقلید از فرهنگ‌های مغایر، لذت‌جویی) را شامل می‌شد. بعضی از این شرکت‌کنندگان ابراز کردند که به دین اعتقادی کمتری داشته و مناسک دینی را انجام نمی‌دهند یا خیلی کم انجام می‌دهند. بعضی از آن‌ها که مناسک دینی را انجام می‌دادند، اشاره کردند که این اعتقادات مانع روابط فرازشویی نشده است. شرکت‌کنندگان این مطالعه حتی اگر اعمال و مناسک دینی- مذهبی را انجام داده باشند؛ درک معنابخشی از مذهب نداشتند و به هنگام رابطه فرازشویی به گناه بودن عمل‌شان فکر نکرده‌اند. در واقع باور به اعتقادات دینی در مورد مقدس بودن ازدواج و انجام اعمال و مناسک مذهبی از طریق گسترش معنویت منجر به آرامش زوجین می‌گردد. در این راستا، آلفالی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه با زوجین مسلمان نشان دادند که اسلام و مذهب به عنوان یک سبک زندگی و متحدکننده ازدواج برای مسلمانان است. آن‌ها گاهی خداوند را به عنوان «ضلع سوم» زندگی خود ادراک می‌کنند. همچنین، در پی تجربه دگرگونی ارزشی، شرکت‌کنندگان دچار مشکلاتی شده بودند که پیامد مدرنیته‌گرایی و نوگرایی بود. لذت‌جویی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ابزارگرایی به عنوان ارزش‌های اساسی تلقی شده و اکثر آن‌ها بیشتر به نفع شخصی می‌اندیشیدند و منافع خود را در اولویت قرار می‌دادند. همچنین، رابطه آن‌ها از نظر معنوی تهی شده و در صدد لذت‌جویی لحظه‌ای و کوتاه‌مدت بودند و رابطه اکثر آن‌ها به سوی سکسوالیزه شدن رفته بود. رابطه‌هایی از این دست، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود (منصوری، غنیمتی و سعیدیان، ۱۴۰۱؛ تاج‌بخش، ۱۴۰۰). در واقع، مدرنیته‌گرایی با تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی دینی- معنوی شرکت‌کنندگان همراه بود. مهم‌تر این که بعضی از شرکت‌کنندگان دچار تغییر الگوی دینداری از دین‌داری مرجعیت‌گرا (فقهی) به دین‌داری فردگرا (سکولار) شده بودند. با کاهش یافتن این رفتارهای ارزشی زمینه برای تجربه خلاء وجود فراهم می‌شود (Frechette et al., 2020). دگرگونی ارزشی در مطالعات دیگر از قبیل فولادیان و همکاران (۱۴۰۰)، بهمنش و رضایی (۱۳۹۹)، غفوریان‌نوروزی و همکاران (۱۳۹۷)، خامسان و همکاران (۱۴۰۱) و نرگسی و همکاران (۱۳۹۸) نیز به عنوان یک عامل زمینه‌ساز روابط فرازشویی استخراج شده است. مهم‌ترین محدودیت‌های این مطالعه عبارت بود از محدود بودن نمونه‌گیری به یک استان و یک شهر (بیرجند) که شاید تمامی دیدگاه‌های موجود را منعکس نکند.

همچنین تابو بودن موضوع رابطه فرازناشویی در فرهنگ ایرانی - اسلامی شاید منجر به عدم انعکاس تمامی دیدگاه‌ها مصاحبه‌شوندگان گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سطح ملی نیز انجام شود و عوامل پدیداری مرتبط با رابطه فرازناشویی در استان‌ها مقایسه گردد.

دستاوردهای سیاستی برای نظام حکمرانی کشور

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این مطالعه، شناسایی خلأ وجودی به عنوان مؤلفه محوری و مرکزی در روابط فرازناشویی و از هم‌پاشیدگی خانواده بود. در این راستا، نظام حاکمیتی می‌تواند در سطح ملی و کلان با تدوین برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی (مثل ایجاد نشاط اجتماعی، ارجحی به هویت، فراهم کردن بافتار مناسب برای تعامل، نگرش و علائق فردی - جمعی)، اقتصادی (مثل تسهیلات رفاهی برای تقویت بنیه اقتصادی خانوارها، ایجاد اشتغال بیشتر و البته معنادار) و برنامه‌های مذهبی - معنوی پایدار (با تأکید بر قدرشناسی از زندگی، معنویت و تقویت ارزش‌های ایرانی - اسلامی) انگیزش درونی، هدف‌گزینی و امیدواری را تقویت کند و از این طریق در پیشگیری از خلأ وجودی متمر خواهد بود. لذا، می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کاهش روابط فرازناشویی مؤثر باشد. شاید یکی دیگر از دستاوردها، واریسی استعداد آسیب‌پذیری افراد نسبت به خلأ وجودی و ابعاد آن در مشاوره‌های ازدواج و طلاق توسط دستگاه‌های ذی‌ربط باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سیاست‌گذاری‌های مربوط به ازدواج و طلاق، سنجش و ارزیابی آمادگی افراد به خلأ وجودی مد نظر قرار بگیرد.

سپاسگزاری

از همه شرکت کنندگان، کلینیک‌های راه‌نو، رویش، میثاق، همراه و سرکار خانم دکتر بهناز زال که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

افراسیابی، حسین و رضوی، عسل (۲۰۲۱). تعلیق زندگی: بازنمایی خیانت زناشویی در فیلم‌های دهه ۰۸۳۱ و ۰۹۳۱ سینمای ایران. پژوهش راهبردی مسائل اجتماعی در ایران، ۱(۱)، ۱-۲۲.

Doi: 10.22108/srsp.2021.127119.1673

بهمنش، فرشته و رضایی، ملیحه (۱۳۹۹). تبیین درک و تجربه زنان متأهل از روابط فرازنشویی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه علمی- پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۱۵(۲)، ۱۵-۲۷.

تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازنشویی. زن در توسعه و سیاست، ۱۹(۴)، ۶۱۴-۵۹۵.

Doi: 10.22059/jwdp.2021.328053.1008055

تمرچی، فرزانه، اسدپور، اسماعیل و زهراکار، کیانوش (۱۴۰۰). مدل پارادایمی از عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی (مطالعه نظریه زمینه‌ای). علوم روان‌شناختی، ۲۰(۱۰۷)، ۲۰۲۷-۲۰۴۳.

Doi: 10.52547/JPS.20.107.2027

چوپانی، موسی، فاتحی‌زاده، مریم، آسنجرانی، فرامرز و دیکاستروکوریا، آبرتومریو (۱۴۰۰). پدیدارهای وجودی در خیانت زناشویی مردان. خانواده پژوهی، ۱۷(۳)، ۴۸۳-۵۱۳.

Doi: 10.52547/JFR.17.3.483.513

خامسان، احمد، طالب‌زاده شوشتری، لیلا، بهلگردی، معظمه و ماسنانی، زهرا (۱۴۰۰). روابط فرازنشویی افراد مراجعه‌کننده به مشاوران و راهکارهای پیشگیری: تدوین الگو بر مبنای نظریه داده‌بنیاد. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۲(۱)، ۱۴۵-۱۶۶.

Doi: 10.22059/japr.2021.306428.643583

خیاط، ابراهیم، عطاری، یوسفعلی و کورایی، امین (۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به خیانت بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی در افراد متأهل. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۳۱(۸)، ۸۷-۱۰۲.

زمردیان، نسترن و اکبری، حسین (۱۴۰۰). چگونگی شکل‌گیری روابط فرازنشویی زوجین. پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، ۲۸، ۲۲۸-۲۶۷.

Doi: 10.22054/rjsw.2022.60684.494

شریفی‌ساعی، محمدحسین و آزادارمکی. تقی (۱۴۰۰). عوامل شکل‌گیری خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۲)، ۳۳-۷۴.

Doi: 10.22059/ijsp.2022.87903

عطاپور، ندا، احمدی، خدابخش، فلسفی‌نژاد، محمدرضا و خدابخشی‌کولایی، آناهیتا (۱۳۹۹). عوامل خطر پیمان‌شکنی در زوج‌های دارای تجربه خیانت زناشویی. فصلنامه سبک زندگی با محوریت اسلامی، ۴(۴)، ۴۰-۳۱.

غفوریان نوروبی، پریسا، اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد، عبدخدایی، محمدسعید و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر روابط فرازنشویی زنان متأهل؛ یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های کاربردی روانشناسی، ۹(۳)، ۷۵-۵۵.

Doi: 10.22059/japr.2018.69568

فاتحی زاده، مریم، چوپانی، موسی، اسنجرانی، فرامرز و دی-کاسترو کوریا، آلبرتوماریو (۱۴۰۱). واکاوی بحران‌های وجودی در مردان بی‌وفا و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی. *روانشناسی کاربردی*، ۱۶ (۱)، ۲۰۳-۲۲۸. Doi: 10.52547/apsy.2021.223419.1127

فاتحی، منصور، ستار، پروین و جوادیان، سیدرضا (۱۳۹۵). مقایسه بی‌وفایی مردان و زنان در روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۵ (۴)، ۴۰۱-۴۱۸.

Doi: 10.52547/JFR.17.3.483

فلاحیان، حسین. میکائیلی، نیلوفر و یوسفی مریدانی، متین (۱۳۹۸). پیش‌بینی روابط فرا زناشویی بر اساس کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی. *مجله مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۵ (۱)، ۵۹-۶۷.

Doi: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.7.4

فولادیان، مجید، برادران کاشانی، زهرا و دیاری، مرتضی (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای بروز رابطه فرازناشویی (مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۱-۳۷. Doi: 10.22059/jisr.2021.294255.977

کریمی، سارا، یوسفی، ریم و سلیمانی، مهران (۱۳۹۶). نقش صفات بنیادی شخصیت در پیش‌بینی مؤلفه‌های خیانت زناشویی از دیدگاه دانشجویان. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۵ (۲)، ۹۷-۱۰۹.

Doi: 10.22070/cpap.2020.2820

کنعانی، محمدمبین و علی‌جانی، محبوبه (۱۴۰۰). روابط فرازناشویی و بسترهای آن: مطالعه‌ای کیفی در شهر رشت. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸ (۱۸)، ۲۷۳-۲۹۶. Doi: 10.22080/ssi.2022.22927.1960

مایلی، معصومه، اللهپاری، طلعت، کرمی، محمدتقی و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۹). روابط فرازناشویی زنان با تأکید بر عوامل بین فردی. *مددکاری اجتماعی*، ۹ (۴)، ۵۰-۶۱. Doi: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5

منصوری، فردین، غنیمتی، حسن و سعیدیان، مرتضی (۱۴۰۱). بررسی روش‌های بهبود و تحول اساسی در اجرای مناسبت‌های رسمی (مذهبی، اجتماعی، ملی). *مطالعات راهبردی فرهنگی*، ۲ (۱)، ۱۲۹-۱۴۹.

Doi: 10.22083/scsj.2022.349871.1061

نرگسی، علیرضا، جدیدی، جعفر و هادی، مهدی (۱۳۹۸). عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی بر اساس منابع اسلامی. *پژوهشنامه روانشناسی اسلامی*، ۱۰ (۵)، ۱۰۴-۱۲۶.

Afrasiabi, H., & Razavi, A. (2021). Life Suspension: Representation of Marital Infidelity in the Films of the 1380s and 1390s of Iranian Cinema. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 10(1), 1-22. [In Persian] Doi: 10.22108/srsp.2021.127119.1673

Ajzen I. (2002). Perceived Behavioral Control, Self-Efficacy, Locus of Control, and the Theory of Planned Behavior. *Journal of applied social psychology*. 32(4):665-83. Doi: 10.1111/j.1559-1816.2002.tb00236.x

Alghafli, Z., Hatch, T., & Marks, L. (2014). Religion and relationships in Muslim families: A qualitative examination of devout married Muslim couples. *Religions*, 5(3), 814-833. Doi: 10.3390/rel5030814

Atapour, N., Ahmadi, K., Falsafinejad, M. R., & Kolaei, A. K. (2019). Risk Factors for Breach of Contract in Couples with Marital Infidelity. *Journal of Islamic Life Style Centered Health*, 4(4), 31-40. [In Persian]

- Bauman, Z. (2013). *Liquid love: On the frailty of human bonds*: John Wiley & Sons.
- Bashirpour, M., Shafiabadi, A., & Doukaneifard, F. (2020). Factors affecting the tendency to marital infidelity: A grounded theory study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 8(4), 16-27. Doi: 10.22062/jqr.2020.90987
- Behmanesh, F., & Rezaei, M. (2020). Women, s extramarital relationship, threatening the health of individual and family. *Islamic Life Journal*, 15(2), 15-27. **[In Persian]**
- Buténaitè, J., Sondaitè, J., & Mockus, A. (2016). Components of existential crisis: A theoretical analysis. *International journal of psychology: a biopsychosocial approach*(18), 9-27. Doi:10.7220/2345-024X.18.1
- Choupani, M., FATEHIZADE, M., & Asanjarani, F. (2021). Existential Phenomena in Men's Marital Infidelity. *Journal of Family Research*, 17(3), 483-513. **[In Persian]** Doi: 10.52547/JFR.17.3.483
- Fallahian, H., Mikaeli, N., & Yousefi Moridani, M. (2019). Predicting meta-marital relationships based on love quality, couple conflict resolution styles, and marital commitment. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 5(1), 59-76. Doi: 20.1001.1.2423 4869.1398.5.1.7.4
- Fatehizade, M., Choupani, M., Asanjarani, F., & De Castro Correa, A. (2022). Investigating existential crises of unfaithful men and examining the effectiveness of indigenous counseling based on marital infidelity tendency. *Journal of Applied Psychology*, 16(1), 228-203. **[In Persian]** Doi: 10.52547/apsy.2021.223419.1127
- Fathi, M., Satar, P., Javadayan, S. R., & Javadayan, S. R. (2016). Comparing the causes of infidelity in marital relationships among men and women: A qualitative research. *Journal of qualitative research in health sciences*, 5(4), 401-418. **[In Persian]** Doi: 10.52547/JFR.17.3.483
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 70-74. Doi: 10.1016/j.copsyc.2016.03.008
- Fouladiyan, M., BaradaranKashani, Z., & Dayyari, M. (2021). Qualitative study of forming extra marriage affairs (Case Study: Women and men Divorce applicant in Mashhad). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 10(1), 1-37. **[In Persian]** Doi: 10.22059/jjsr.2021.294255.977
- Frchette, J., Bitzas, V., Aubry, M., Kilpatrick, K., & Lavoie-Tremblay, M. (2020). Capturing lived experience: Methodological considerations for interpretive phenomenological inquiry. *International Journal of Qualitative Methods*, 19, 1609406920907254. Doi: 10.1177/1609406920907254
- Ghafoorian Nourozi, P., Asghari Ibrahim Abad, M. J., Abdkhodayie, M., & Kimiaee, S. A. (2018). Factors Influencing Extramarital Relationship among Married Females: A Qualitative Study. *Journal of Applied Psychological Research*, 9(3), 55-75. **[In Persian]** Doi: 10.22059/japr.2018.69568

- Heydarian, N., Seydi, M. S., Majzoobi, M. R., & Janjani, P. (2022). The causal model of attitudes toward marital infidelity based on family cohesion in Iranian women: the mediating role of the meaning in life. *The Family Journal*, 909-921. Doi: 10.1177/1066480722109
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International journal of psychology*, 54(3), 369-376. Doi: 10.1002/ijop.12473
- Isma, M. N. P., & Turnip, S. S. (2019). Personality traits and marital satisfaction in predicting couples' attitudes toward infidelity. *Journal of Relationships Research*, 10, e13. Doi: 10.1017/jrr.2019.10
- Jeanfreau, M. M., & Mong, M. (2019). Barriers to marital infidelity. *Marriage & Family Review*, 55(1), 23-37. Doi: 10.1080/01494929.2018.1518821
- Kanani, M. A., & Alijani, M. (2022). Extramarital Affairs and the Contexts: A qualitative Study in Rasht. *Sociology of Social Institutions*, 8(18), 273-296. **[In Persian]** Doi: 10.22080/ssi.2022.22927.1960
- Karimi, S., Yusefi, R., & Soleymani, M. (2020). The role of personality traits in Prediction components marital infidelity. *Clinical Psychology and Personality*, 15(2), 97-109. Doi: 10.22070/cpap.2020.2820
- Khamesan, A., Talebzade Shoshtari, L., Behlgerdi, M., & Masanani, Z. (2021). Extramarital Affairs Referred to Psychologist and Preventive Strategies: Presentation of a Model Based on the Grounded Theory Approach. *Journal of Applied Psychological Research*, 12(1), 145-166. **[In Persian]** Doi: 10.22059/japr.2021.306428.643583
- Khayat, E., Attari, Y., & Koraei, A. (2018). Predict the tendency toward infidelity based on personality traits and attachment styles in married people. *Quarterly Social Psychology Research*, 8(31), 87-102. **[In Persian]**
- Li, P. J., Wong, Y. J., McCullough, K. M., Jin, L., & Wang, C. D. (2022). Existential meaningfulness scale: scale development and psychometric properties. *Journal of Humanistic Psychology*, 1, 1-33. Doi: 10.1177/00221678211072450
- Mansouri, F., Ghanimati, H., & Saedian, M. (2022). Investigating the fundamental improvement and evolution methods in the implementation of official occasions (religious, social, national). *Strategic Studies of Culture*, 2(1), 129-149. **[In Persian]** Doi: 10.22083/scsj.2022.349871.1061
- Mayeli, M., Allahyari, T., Karami, M. T., & Sohrabi, F. (2019). Extramarital Affairs of Women with an Emphasis on Interpersonal Factors. *work*, 9(4), 50-61. **[In Persian]** Doi: 20.1001.1.1735451.1399.9.4.6.5
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of sex & marital therapy*, 41(5), 487-497. Doi: 10.1080/0092623X.2014.931314

- Nargesi, A., Jodeiri, J., & Haadi, M. (2019). Predisposing Factors of marital infidelity based on Islamic sources. *Journal of Islamic Psychology*, 5(10), 102-125. [In Persian]
- Sharifi Saei, M. H., & Azad Armaki, T. (2022). . The Factors of Marital Infidelity in Iran; A Qualitative Meta-Synthesis. *Journal of Social Problems of Iran*, 12(2), 33-74. Doi: 10.22059/ijsp.2022.87903
- Tajbakhsh, G. (2021). Analysis of the underlying factors of extramarital affairs. *Woman in Development & Politics*, 19(4), 595-614. [In Persian] Doi: 10.22059/jwdp.2021.328053.1008055
- Tamrchi, F., Asadpour, I., Zaharakar, K. (2021). Presenting a paradigmatic model of underlying factors result in marital infidelity based on grounded theory. *Journal of psychologicalscience*, 20(107), 2027-2043. [In Persian] Doi: 10.52547/JPS.20.107.2027
- Vossler, A. (2016). Internet infidelity 10 years on: A critical review of the literature. *The Family Journal*, 24(4), 359-366. Doi: 10.1177/10664807166631
- Weibel, S., Vidal, S., Olié, E., Hasler, R., Torriani, C., Prada, P., Courtet, P., Guillaume, S., Perroud, N., & Huguelet, P. (2017). Impact of child maltreatment on meaning in life in psychiatric patients. *Psychiatry research*, 251, 204-211. Doi: 10.1016/j.psychres.2017.02.026
- Wilcox, W. B., & Nock, S. L. (2006). What's love got to do with it? Equality, equity, commitment and women's marital quality. *Social forces*, 84(3), 1321-1345. Doi: 10.1353/sof.2006.0076
- Zomorodian, N., & Akbari, H. (2021). Formation process of couples' Extramarital relations. *Journal of Social Work Research*, 8(28), 227-262. [In Persian] Doi: 10.22054/rjsw.2022.60684.494